مقالاتی که در این صفحه منتشر می‌شود، از مهم‌ترین منابع خارجی درباره مجموعه موضوعات مرتبط با ایران یا دیگر تحولات و رویدادهای مهم جهان گزینش شده است. هدف اصلی از انتشار این مقالات، ارائه مستقیم و بی‌واسطه مهم‌ترین تحلیل‌ها در حوزه‌های راهبردی به تحلیلگران فارسی‌زبان است. کاملا روشن است که تحلیل‌های مندرج در این مقالات موضع روزنامه «وطن امروز» نیست. شاید در بسیاری از موارد «وطن امروز» دیدگاهی اساسا متفاوت داشته باشد و حتی در بقیه صفحات روزنامه به نقد آنها بپردازد.

همچنین بدیهی است در برخی از این مقالات رسانه برای رسیدن به نتایج دلخواه خود و عملیات روانی روی مخاطب هدف، تعمداً اطلاعات غلط و تحلیل‌های جهت‌دار گنجانده است.

مطالعه مستمر این مقالات این امکان را به خواننده خواهد داد با ذهنیت‌های راهبردی غرب درباره ایران یا دیگر تحولات مهم جهان آشنا شود.

چشم‌انداز روابط چین و ایران پس از توافق هسته‌ای

مایکل سینگ: توافق هسته‌ای اخیر بین ایران و گروه ۱+۵ پیامدهای بزرگی برای امنیت خاورمیانه به همراه خواهد داشت اما تاثیر این توافق بسیار گسترده‌تر از این خواهد بود. برای اثبات آثار بزرگ این توافق همین بس که «سرگئی لاوروف» وزیر خارجه روسیه حتی پیش از آنکه دستیابی به توافق در نشست خبری رسمی اعلام شود، گفت این توافق لزوم استقرار سامانه موشکی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی(ناتو) در اروپا را- که مدت‌های طولانی مساله مورد مناقشه آمریکا و روسیه بوده است- از بین می‌برد. این توافق همچنین ممکن است به سرمایه‌گذاری چند میلیارد دلاری هند در بندر چابهار، پیشرفت در اجرای طرح احداث خط لوله گاز ایران به پاکستان و شاید حتی انتقال گاز ایران به اروپا منجر شود؛ اروپایی که بشدت مایل به قطع وابستگی به انرژی روسیه است.

اما شاید توافق هسته‌ای ایران بزرگ‌ترین تاثیر را روی چین داشته باشد. ایران و چین روابط دیرینه‌ای دارند که از قید پیشینه تاریخی مشابه آنچه روابط ایران را با روسیه، انگلیس و آمریکا دشوار کرده، آزاد است. روابط مدرن چین و ایران به دوره گشایش «ریچاد نیکسون» رئیس‌جمهور اسبق آمریکا در برابر چین بازمی‌گردد و چین، از جمله با تامین تسلیحاتی ایران، و همانطور که «اُرد کیتری» (Orde Kittrie) در مقاله‌ای دیگر در فارن افرز تصریح کرد، با قرار دادن قطعات مهم هسته‌ای در اختیار ایران، شریک مهم این کشور بوده است. به لطف روابط نزدیک تاریخی دو کشور و بدگمانی متقابل هر دو کشور به آمریکا، بسیاری از روشنفکران چینی احتمال می‌دادند چین نقشی خرابکارانه در مذاکرات هسته‌ای ایفا کند اما بنا به گفته‌ها، نقش چین در مذاکرات سازنده بود. شاید انگیزه پکن از اتخاذ این رویکرد، تمایل به کسب نتیجه‌ای دیپلماتیک برای جلوگیری از هر یک از این دو نتیجه غیردلخواه بوده است: یعنی بروز جنگ بین ایران و آمریکا که ممکن بود واردات نفت چین را از منطقه خلیج فارس در معرض خطر قرار دهد یا نزدیکی روابط ایران و آمریکا که ممکن است این آبراه را در احاطه شرکای آمریکا قرار دهد.

در طول مذاکرات هسته‌ای، چین مراقب بود در چارچوب گروه ۱+۵، روابط نزدیک خود را با ایران حفظ کند و از این کشور در برابر آثار تحریم‌ها حفاظت کند، به‌رغم اینکه پکن به تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران رای داده بود. ارزش مبادلات تجاری چین و ایران از حدود ۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ به بیش از ۵۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ رسید (تعیین آمار دقیق دشوار است)، و واردات نفت چین از ایران پس از کاهش موقت در سال‌های ۱۳-۲۰۱۲، در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ به بالاترین سطح تا آن زمان رسید.

روابط امنیتی چین و ایران نیز در طول مذاکرات گسترش یافت. براساس گزارش‌ها، جت‌های جنگنده چین سال ۲۰۱۰ در ایران سوختگیری کردند و کشتی‌های جنگی چین نیز در سال ۲۰۱۴ با یک بار وارد بندرعباس در ایران شدند- هر دو اقدام نخستین بار بود که صورت گرفت- علاوه بر این، چین با وتو کردن قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت سازمان ملل علیه سوریه، دست کم به طور غیرمستقیم از دستور کار منطقه‌ای ایران حمایت کرد.

توافقنامه هسته‌ای اخیر زمینه را برای تقویت بیش از پیش روابط مستحکم چین و ایران فراهم خواهد کرد. تحریم‌های آمریکا، اروپا و سازمان ملل که مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای ایران است-از جمله تحریم‌های فراسرزمینی که در عمل نهادهای چین را هدف قرار می‌داد- لغو یا تعلیق خواهد شد، صادرات هسته‌ای کنترل‌شده مجاز خواهد شد و حتی محدودیت‌های اعمال‌شده درباره قرار دادن سلاح یا فناوری موشکی در اختیار ایران به ترتیب پس از ۵ و ۸ سال برداشته خواهد شد. همچنین ایران برای کمک گرفتن از شرکای بین‌المللی برای کسب نفوذ اقتصادی و دیپلماتیک بیشتر در منطقه و فراتر از آن، فعالانه تلاش خواهد کرد. برای «شی جین‌پینگ» رئیس‌جمهور چین، مقطع کنونی بهترین زمان ممکن برای دستیابی به توافق هسته‌ای با ایران بود. ابتکار وی موسوم به «یک کمربند، یک جاده» چشم‌انداز زنجیره ارتباطات در بخش انرژی، زیربنایی و دریایی را از شرق آسیا تا اروپا از طریق خاورمیانه و آسیای مرکزی ترسیم می‌کند. قرار گرفتن ایران بین این دو منطقه (شرق آسیا و اروپا)، مشارکت این کشور را در این طرح برای پکن ضروری کرده است. برخلاف کشورهای عربی که به این ابتکار چین به دیده تردید نگریسته‌اند، ایران درباره طرح چین اشتیاق داشته است. دولت «باراک اوباما» رئیس‌جمهور آمریکا تلاش کرده است بقبولاند ایران نیاز به ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری داخلی دارد، در حالی که وجوه مسدودشده‌ای که ممکن است در صورت اجرای توافقنامه هسته‌ای دریافت کند، تنها ۱۰۰ یا ۱۵۰ میلیارد دلار خواهد بود. اما عنوان نشده است بقیه وجوه لازم برای این سرمایه‌گذاری باید از کجا تامین شود. پکن که به‌تازگی قول داده است ۴۶ میلیارد دلار در طرح «دالان اقتصادی» در پاکستان و ده‌ها میلیارد دلار در «بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا» سرمایه‌گذاری کند، احتمالاً مایل به مشارکت در سرمایه‌گذاری در ایران خواهد بود. چین ممکن است در سرمایه‌گذاری گسترده احتمالی در ایران، تمرکز خود را به بخش انرژی معطوف کند. ایران پیش از تحریم‌های نفتی، سومین تامین‌کننده بزرگ نفت خام چین بود اما سال ۲۰۱۴ از نظر تامین نفت چین به مقام ششم نزول کرد. حتی با لغو تحریم‌ها هم ممکن است پکن درباره افزایش واردات نفت خود از ایران، به خاطر نگرانی از وابستگی شدید به یک منبع تامین انرژی، تعلل کند. با این همه، ممکن است سرمایه‌گذاری چین در بخش انرژی ایران، به طور عمده به منظور افزایش امنیت انرژی پکن افزایش یابد. بعید است ایران در برابر هرگونه فشار سیاسی غرب در آینده برای کاهش صادرات نفت به چین تسلیم شود. ایران تنها کشوری است که موقعیت جغرافیایی آن، امکان احداث خط لوله‌های زمینی از چین به منطقه نفتخیز خلیج‌فارس و در نتیجه کاهش آسیب‌پذیری پکن را در برابر اختلال در مراکز ایست بازرسی دریایی همچون تنگه هرمز یا تنگه مالاکا فراهم کرده است.

■ ارتباط تنگاتنگ

توافق هسته‌ای ایران به همان اندازه که موجب تقویت همکاری‌های اقتصادی چین و ایران خواهد شد، امکان تقویت هر چه بیشتر مناسبات راهبردی دو کشور را فراهم خواهد کرد. ایران که با بحران منطقه‌ای چالش‌برانگیز روبه‌رو است و برای گسترش نفوذ منطقه‌ای خود تلاش می‌کند، نیاز به شرکای قدرتمند خارجی خواهد داشت که احتمالاً این شرکا روسیه و چین خواهند بود. اما ظرفیت چین برای کمک به ایران بسیار بیشتر از روسیه است.

همانگونه که گزارش نظامی اخیر چین نشان می‌دهد، این کشور به دنبال توسعه توانایی نیروهای خود به منظور «تضمین مؤثر منافع خارجی خود» است. از مصادیق این امر می‌توان به مشارکت کشتی‌های جنگی چین در ماموریت‌های مبارزه با دزدان دریایی در منطقه، مشارکت ارتش آزادیبخش خلق چین در تخلیه هزاران تبعه چینی از لیبی در سال ۲۰۱۱ - نخستین عملیات از این نوع که چین انجام داد- و طرح پکن برای ایجاد یک تاسیسات دریایی در جیبوتی اشاره کرد. با توجه به اینکه چین برای گسترش قدرت و نفوذ خود تلاش می‌کند، ایران شریکی منطقی برای آن محسوب می‌شود. ایران تنها کشور بزرگ و قدرتمند در منطقه است که متحد آمریکا نیست و از مسیرهای زمینی و دریایی برخوردار است که برای چین اهمیت حیاتی دارد. پس تعجب‌آور نیست که وزیر دفاع چین اکتبر ۲۰۱۴ به طور علنی اعلام کرد کشورش مایل به گسترش مناسبات نظامی با ایران است (ابراز احساساتی که با دعوت ایران از چین برای گسترش حضور دریایی این کشور در ایران روبه‌رو شد) و مقام بلندپایه نهاد مبارزه با تروریسم چین برای گسترش همکاری علیه افراط‌گرایان به تازگی به ایران سفر کرد.

گسترش مناسبات اقتصادی ایران و چین ممکن است برای آمریکا چالش‌برانگیز باشد. به نظر می‌رسد چین و ایران هر دو به تضعیف نظم بین‌المللی موجود به رهبری آمریکا متعهد هستند. چین نهادهای امنیتی و اقتصادی منطقه‌ای ایجاد کرده است که با نهادهای تحت تسلط آمریکا و متحدانش رقابت می‌کنند و ایران قدرت شورای امنیت سازمان ملل و سلطه‌جویی آمریکا را در خاورمیانه به طور علنی به چالش کشیده است. علاوه بر این، هر دو کشور با روسیه- که مانند ایران و چین رقیب آمریکاست- همپیمان هستند.

با وجود این تقویت همکاری چین و ایران تنها آثار دیپلماتیک ناخوشایند در پی نخواهد داشت. با لغو تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران، چین می‌تواند- با کمک‌های نظامی، سرمایه‌گذاری اقتصادی و انتقال فناوری- موجب تسهیل افزایش قدرت منطقه‌ای ایران شود. با توجه به سابقه فعالیت‌های ایران از طریق گروه‌های نیابتی، کمک‌های چین همچنین ممکن است به طور غیرمستقیم موجب تقویت بازیگران غیردولتی تحت حمایت ایران شود. ایران نیز اگر بخواهد نفوذ آمریکا را در منطقه خاورمیانه به چالش بکشد، می‌تواند در منطقه جایگاه مهم راهبردی در اختیار چین قرار دهد.

اما تقویت ائتلاف با ایران ممکن است مشکلاتی نیز برای چین به همراه داشته باشد. همکاری با ایران، حتی برای کشورهایی که به نظر می‌رسد منافع مشترکی با ایران دارند، دشوار است. برای مثال، ایران آوریل ۲۰۱۳ قراردادی به ارزش ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار را با شرکت ملی نفت چین در حالی لغو کرد که دیپلمات‌های ایرانی خواستار گسترش روابط اقتصادی دو کشور بودند. این مشکلات ممکن است با لغو تحریم‌ها افزایش یابد و گزینه‌های ایران به جای شرکت‌های چینی نیز بیشتر شود. یک مانع دیگر در روابط چین و ایران، حمایت ایران از گروه‌هایی همچون حماس و جنبش جهاد اسلامی فلسطین خواهد بود که پکن نگران است تهدیدی برای منافع این کشور باشد.

به علاوه، روابط فزاینده با ایران ممکن است موجب ناکام ماندن تلاش‌های چین برای گسترش همکاری اقتصادی با دیگر دولت‌های منطقه بویژه اسرائیل و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس شود که ایران را رقیب اصلی می‌دانند. ایران یکی از تامین‌کنندگان مهم نفت چین است اما عربستان همچنان مهم‌ترین واردات نفت‌خام چین است. با توجه به رقابت این کشورها و ایران بر سر نفوذ منطقه‌ای، ممکن است چین بیش از پیش وادار به انتخاب بین این دو طرف شود.

واکنش آمریکا به تعمیق روابط چین و ایران احتمالاً متمایل به دیپلماسی اجباری- متقاعد کردن چین درباره آثار منفی تسهیل رفتار منطقه‌ای ایران و تحمیل هزینه بر هر نهاد چینی که در فعالیت‌هایی همچون تامین تسلیحاتی گروه‌های نیابتی ایران مشارکت داشته باشد- خواهد بود. متحدان آمریکا در منطقه- بویژه کشورهایی که چین خواستار تقویت آنها به‌عنوان شرکای اقتصادی در طرح «یک کمربند، یک جاده» است- می‌توانند به پیشبرد رویکرد پکن کمک کنند. شرایط نیز در اقداماتی که صورت خواهد گرفت تاثیرگذار است؛ هر چه ساختار امنیتی و نظامی ائتلاف آمریکا در منطقه قوی‌تر باشد، احتمال اینکه ایران و چین این ساختار را به چالش بکشند کمتر خواهد بود. همچنین هر چه چین بیشتر متقاعد به خودداری از اتخاذ ذهنیت بازی با حاصل جمع صفر شود و در عوض نظم بین‌المللی موجود را- که آمریکا در راس آن قرار دارد- در جهت منافع خود بداند، بهتر خواهد بود. اما کاری که آمریکا همزمان با بررسی معایب و مزایای توافقنامه هسته‌ای ایران نباید انجام دهد، بی‌توجهی به پیامدهای گسترده‌تر توافق است؛ پیامدهایی که بسیار فراتر از میدان‌های نبرد در خاورمیانه است.

پایگاه اینترنتی فارن افرز

علت تلاش عربستان برای رابطه با اخوان

تیلور لاک: عربستان‌سعودی تماس‌های دیپلماتیک با گروه اخوان‌المسلمین را افزایش داده است که به نظر می‌رسد هدف از این کار محدود کردن نفوذ ایران در برخی شاخه‌های این سازمان اسلامگرای سنی باشد. این اقدام عربستان پس از توافق هسته‌ای اخیر میان ۶ قدرت جهانی و ایران صورت گرفته است و تغییر رویه‌ای چشمگیر در سیاستی تهاجمی به شمار می‌رود که موجب شد ریاض در ماه مارس ۲۰۱۴ اخوان‌المسلمین را سازمانی تروریستی معرفی و برای نابودی آن در منطقه خلیج‌فارس تلاش کند.

قابل توجه‌ترین رویداد، سفر رسمی هفته گذشته «خالد مشعل» رئیس دفتر سیاسی حماس به عربستان بود. شاخه فلسطینی اخوان‌المسلمین مدتی طولانی به حمایت تهران متکی بود. این دیدار به این دلیل قابل توجه بود که ۶ ماه پیش عربستان‌سعودی همسایه خود قطر را تحت فشار قرار داده بود تا دفتر سیاسی مشعل را تعطیل کند.

مقامات حماس و خبرگزاری عربستان‌سعودی تایید کردند مشعل از مکه مکرمه دیدار و همراه با سلمان پادشاه این کشور به زیارت کعبه رفت. مشعل همچنین با محمد بن نایف وزیر کشور و محمد بن سلمان وزیر دفاع و پسر پادشاه عربستان دیدار کرد.

دیدار مشعل از عربستان، تنها نشانه ایجاد روابط حسنه با اخوان‌المسلمین نیست. «راشد غنوشی» رئیس اخوان‌المسلمین تونس، «همام سعید» از اخوان‌المسلمین اردن و «عبدالمجید الزندانی» از اخوان یمن، همگی به تازگی از عربستان دیدار کرده‌اند. ناظران می‌گویند همه این نشانه‌ها به «تغییر محاسبات» استراتژیک ریاض اشاره می‌کنند.

«مصطفی العانی» مدیر مطالعات دفاعی در مرکز تحقیقات خلیج‌فارس در جده می‌گوید: «این دیدارها همه بخشی از یک استراتژی بزرگ برای مهار ایران است. بخش اول این استراتژی، فاصله انداختن بین اخوان‌المسلمین و ایران و بخش دوم آن، استفاده از اخوان‌المسلمین برای مقابله با نفوذ ایران است.» مقامات عربستان تا امروز مطبوعات محلی را از بحث درباره این موضوع منع کرده‌اند.

این در حالی است که «عادل الجبیر» وزیر خارجه عربستان در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت هیچگونه ابعاد سیاسی درباره سفر مشعل وجود ندارد. اما افراد مطلع در عربستان‌سعودی می‌گویند این نشان‌دهنده «تفاهمی مهم» میان حماس و آل‌سعود است.

یک مقام کاخ پادشاهی عربستان که مجاز نبود با مطبوعات صحبت کند، گفت هیات حماس در طول این سفر بار دیگر از عربستان‌سعودی به سبب حمایت از آرمان فلسطین و نیز تلاش‌ها برای بازگرداندن دولت مشروع یمن قدردانی کرد.

این مقام عربستانی گفت هیات حماس همچنین حمایت خود را از تلاش‌ها برای جلوگیری از طرح‌های ایران در منطقه و جنگ علیه افراط‌گرایی اعلام کرده است. عربستان‌سعودی با وجود خصومت‌های اخیر، سابقه گسترده‌ای در استفاده از اخوان‌المسلمین در برابر رقبای منطقه‌ای خود دارد. عربستان در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ از اخوان‌المسلمین برای تضعیف رژیم جمهوری ناسیونالیستی جمال عبدالناصر در مصر پشتیبانی کرد. اخوان‌المسلمین اگر چه از فعالیت سیاسی در عربستان‌سعودی منع شده بود، اعضای آن در دانشگاه‌ها فعال بودند و نفوذ قابل توجهی در مدارس و دانشگاه‌های عربستان داشتند اما این اتحاد همیشه اتحادی بی‌ثبات بوده است. ایدئولوژی اخوان‌المسلمین، دشمن پادشاهانی مانند آل‌سعود و نیز ناسیونالیسم عربی ناصر بود. روابط عربستان و اخوان‌المسلمین پس از بهار عربی سال ۲۰۱۱ که در نهایت مورد حمایت اخوان‌المسلمین قرار گرفت، بشدت تیره و باعث نگرانی دولت عربستان شد.

ملک «عبدالله بن عبدالعزیز» پادشاه سابق عربستان سال ۲۰۱۴ این گروه را گروهی غیرقانونی و یک سازمان تروریستی منطقه‌ای اعلام کرد، کاری که امارات عربی متحده و بحرین نیز انجام دادند. ریاض، از دستگیری رهبران اخوان‌المسلمین در اردن و مصر حمایت کرد و ماه ژانویه قطر را برای اخراج مشعل تحت فشار گذاشت. اما از ماه ژانویه که سلمان پادشاه عربستان شد، فضایی جدید در روابط عربستان و اخوان به وجود آمد. اخوان‌المسلمین مصر سال ۲۰۱۳ بر اثر یک کودتا از قدرت کنار گذاشته شد. در همین حال، نفوذ ایران در سوریه در حال گسترش بود و عربستان‌سعودی، ایران را درباره شورش به رهبری شیعیان علیه حکومت یمن مقصر می‌دانست. پس از آن توافق هسته‌ای به دست آمد که احتمالا ایران را در یک موقعیت بسیار قوی برای مخالفت با رقیب قدیمی خود عربستان قرار می‌دهد. ناگهان به نظر رسید اخوان‌المسلمین بیشتر از آنکه یک تهدید باشد، یک فرصت است.

«حسن ابوهنیه» تحلیلگر مسائل سیاسی در امان و متخصص جنبش‌های اسلامگرا می‌گوید: «شاه سلمان در آغاز این موضوع را روشن کرد که به دست آوردن حمایت اخوان‌المسلمین و دور کردن آن از حوزه نفوذ ایران یک اولویت است. توافق هسته‌ای ایران به این سیاست شتاب داد».

یمن در حال ظاهر شدن به صورت یک مساله منافع متقابل بین عربستان‌سعودی و اخوان‌المسلمین است. عربستان ۴ ماه است در یمن به اقدامات نظامی برای شکست حوثی‌های یمن مشغول است. عربستان ادعا می‌کند حوثی‌ها وابسته به ایران هستند و ریاض برای روی کار آوردن مجدد دولت طرفدار عربستان در یمن تلاش می‌کند.

تنها چند ساعت پس از آنکه مشعل عربستان را ترک کرد، «عبدالمجید الزندانی» از بنیانگذاران اخوان یمن وارد ریاض شد.

کریستین‌ساینس‌مانیتور

دموکرات‌ها برای رأی مثبت به توافق ایران ائتلاف تشکیل نداده‌اند

فرانسین کیفِر: رهبران دموکرات‌ها در آمریکا تصمیم گرفته‌اند قانونگذاران دموکرات را به اجبار وارد ائتلاف حمایت از توافق هسته‌ای ایران نکنند بلکه تصمیم‌گیری درباره دادن رأی مثبت یا منفی به توافق هسته‌ای ایران را به تک تک قانونگذاران دموکرات واگذار کرده‌اند.

از نظر گروهی مهم از قانونگذاران دموکرات در سنای آمریکا، وفاداری عاملی مهم در رأی آنها به توافقنامه تاریخی با ایران محسوب نمی‌شود.

آنها همچنین توجهی به میراثی که باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا از خود بجا می‌گذارد، ندارند اما تصویب این توافقنامه در کنگره آمریکا یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای اوباما در زمینه سیاست خارجی محسوب می‌شود.

از نظر برخی از سناتورهای دموکرات که هنوز درباره رأی خود به توافقنامه هسته‌ای ایران تصمیم‌گیری نکرده‌اند، رأی‌گیری درباره آن -که در ماه سپتامبر انجام خواهد شد- رأی براساس وجدان محسوب می‌شود. این در حالی است که جمهوری‌خواهان مخالفت خود را با این توافق کاملا اعلام کرده‌اند. دیک دوربین، سناتور دموکرات از ایلی نویز اعلام کرد: «تصمیم‌گیری درباره جنگ و صلح تصمیماتی براساس وجدان هستند و نمی‌توان براساس اجبار کسی را به دادن رأی مثبت یا منفی ترغیب کرد.»

این در حالی است که سناتور دموکرات بن کاردین از مریلند هفته گذشته در گفت‌وگو با خبرنگاران اعلام کرد رأی به توافقنامه هسته‌ای ایران را به صدور مجوز برای استفاده از نیروی نظامی تشبیه کرد.

کاردین -که یکی از سناتورهای بلندپایه دموکرات در کمیته روابط خارجی سنا است- گفت: «این تصمیمی مهم و بزرگ است که اعضای سنا باید اتخاذ کنند.»

او همچنین گفت: «رأی‌گیری قانونگذاران باید بر این اساس باشد که چه اقدامی به نفع کشور است.» وجود موضوعات متعدد سبب شده است ده‌ها سناتور دموکرات درباره دادن رأی به توافق هسته‌ای ایران مردد باشند و هنوز در این باره تصمیم‌گیری نکرده‌اند. برخی از قانونگذاران نیز از اظهارنظر در این باره خودداری می‌کنند. برخی دیگر نیز به پیامدهای خطرناکی اشاره می‌کنند که این توافقنامه می‌تواند برای منطقه خاورمیانه (غرب آسیا) و موقعیت آمریکا در جهان و همچنین شرایط اسرائیل داشته باشد. کریس کانز، سناتور دموکرات از دلاوِر که از اعضای کمیته روابط خارجی سنای آمریکاست، اعلام کرد: «هنوز شمار زیادی از قانونگذاران در این باره تصمیم‌گیری نکرده‌اند و رأی آنها می‌تواند تأثیری مهم بر کشور ما داشته باشد. باید این موضوع را در نظر بگیریم که جهانیان چگونه به ما خواهند نگریست و درک آنها از ما به عنوان یک همپیمان چه خواهد بود.»

او همچنین خاطرنشان کرد: «فکر می‌کنم دادن رأی درباره این توافق باید براساس وجدان باشد. این رأی‌گیری منعکس‌کننده این موضوع است که سناتورهای آمریکایی فراتر از منافع سیاسی و حزبی به این توافق رأی خواهند داد.»

نمایندگان دلاوِر حدود هزار تماس تلفنی از افراد مختلف دریافت کرده‌اند و تاکنون دیدگاه آنها در ارتباط با توافق هسته‌ای ایران ۵۰ -۵۰ برآورد شده است.

سناتور کانز به دشواری‌های پیش‌رو درباره تصمیم‌گیری قانونگذاران آمریکایی درباره توافق هسته‌ای ایران اشاره کرده است. به گفته کانز، رد توافقنامه هسته‌ای از یک سو سبب بروز پیچیدگی‌های قابل توجهی در روابط آمریکا با همپیمانانی خواهد شد که در مذاکرات هسته‌ای با ایران حضور داشتند و برای دستیابی به این توافق سخت تلاش کردند، توافقی که سبب برداشته شدن تحریم‌های بین‌المللی اعمال شده علیه ایران در ازای محدود شدن شدید برنامه هسته‌ای ایران می‌شود. او همچنین گفت: از سوی دیگر، تصویب توافقنامه هسته‌ای ایران در کنگره در مواجهه با مخالفت قطعی مقامات اسرائیلی با این توافقنامه و همچنین نگرانی‌های شدید دیگر همپیمانان آمریکا در منطقه «پیامدهایی در پی خواهد داشت.»

این در حالی است که کاخ سفید می‌گوید توافقی که سبب جلوگیری ایران از دستیابی به یک بمب به مدت بیش از یک دهه می‌شود بسیار بهتر از وجود ایران افسارگسیخته است. اما بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل این توافقنامه را محکوم و اعلام کرد توافقنامه هسته‌ای سبب می‌شود زیرساخت‌های هسته‌ای ایران دست نخورده باقی بماند.

او می‌گوید ایران در مسیر دستیابی به «زرادخانه‌ای بسیار بزرگ‌تر هسته‌ای» قرار دارد. به گفته نتانیاهو، توافقنامه هسته‌ای سبب دسترسی ایران به حجم قابل توجهی از پول برای ایجاد آشوب در کشورهای همسایه می‌شود.

نگرانی‌های اسرائیل نقش مهم در دیدگاه‌های سناتور دموکرات چاک شومر از نیویورک و دیگر قانونگذاران یهودی در کنگره آمریکا ایفا می‌کند. سناتور شومر همانند کاردین -که او نیز یهودی است- می‌گوید می‌خواهد فراتر از دیدگاه‌های حزبی در این باره تصمیم‌گیری کند.

این سناتور هفته گذشته در مصاحبه با استیو کورناکی، خبرنگار شبکه ام‌اس بی‌سی گفت: «من اجازه نمی‌دهم فشارهای حزبی یا هر عامل دیگر بر تصمیم‌گیری من تأثیر بگذارد. من تنها این موضوع را در نظر می‌گیرم که چه تصمیمی پیش از هر چیز به نفع آمریکاست و اینکه چه تصمیمی برای اسرائیل خوب است زیرا رویکرد اسرائیل اهمیت زیادی دارد.»

بعید به نظر می‌رسد جمهوری‌خواهان بتوانند نظر مثبت دوسوم قانونگذاران را در سنا و مجلس نمایندگان برای ملغی کردن حق وتوی رئیس‌جمهور آمریکا به دست آورند.

اما نه رئیس‌جمهور آمریکا و نه مخالفان توافقنامه هسته‌ای چنین کاری انجام نخواهند داد.

از زمان اعلام خبر دستیابی به توافقنامه هسته‌ای در روز ۱۴ ژوئیه، رئیس‌جمهور آمریکا و معاون او شخصا با قانونگذاران گفت‌وگو کرده‌اند و این هفته برخی از اعضای کابینه اوباما در کنگره حضور یافتند و به ارائه توضیحاتی درباره توافق هسته‌ای ایران پرداختند.

آنها برای ارائه اطلاعاتی درباره توافق هسته‌ای به کنگره رفتند نه اینکه بخواهند در پی جلب حمایت از میراث رئیس‌جمهور آمریکا باشند.

روز پنجشنبه، باراک اوباما با ده‌ها عضو دموکرات مجلس نمایندگان آمریکا در کاخ‌سفید دیدار کرد. او گفت امکان دستیابی به توافقی بهتر از این وجود نداشت. نشریه پولیتیکو نوشت اوباما همچنین به آنها گفت که باید در مقابل مخالفان توافق هسته‌ای بایستند.

رئیس‌جمهور آمریکا از آنها خواست در حال حاضر حمایت خود را از توافق هسته‌ای اعلام کنند تا مانع از هر گونه لابی شدید از سوی گروه‌های حامی اسرائیل شوند، گروه‌هایی که در تلاش برای رد توافقنامه هسته‌ای ایران هستند.

این در حالی است که در شبکه‌های تلویزیونی آمریکایی تبلیغاتی در مخالفت با توافقنامه هسته‌ای پخش می‌کنند. اعضای کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل موسوم به آیپک -که گروه لابی قدرتمند حامی اسرائیل است- هفته آینده در کنگره حضور خواهند یافت. وال‌استریت‌ژورنال گزارش داد آنها امیدوارند بتوانند سبب بروز مخالفت‌ها از همان نوعی شوند که اوباما درباره برنامه بهداشتی‌اش طی تابستان سال ۲۰۰۹ با آن مواجه شده بود.

این یک رأی‌گیری مهم برای قانونگذاران آمریکایی محسوب می‌شود.

جیم کانلی، سخنگوی سابق هری رید سناتور دموکرات از نوادا می‌گوید قانونگذاران آمریکایی همچنین باید درباره منافع آمریکا قضاوت کنند.

او همچنین گفت: «این یک رأی‌گیری فراحزبی است و پیامدهای ژئوپلتیکی فراوانی دارد. تصمیم‌گیری در این باره بسیار دشوار است.»

او در حقیقت بر این باور است که اعمال فشار از سوی کاخ سفید برای دادن رأی مثبت به این توافقنامه می‌تواند نتایجی معکوس در پی داشته باشد.

کریستین‌ساینس‌مانیتور

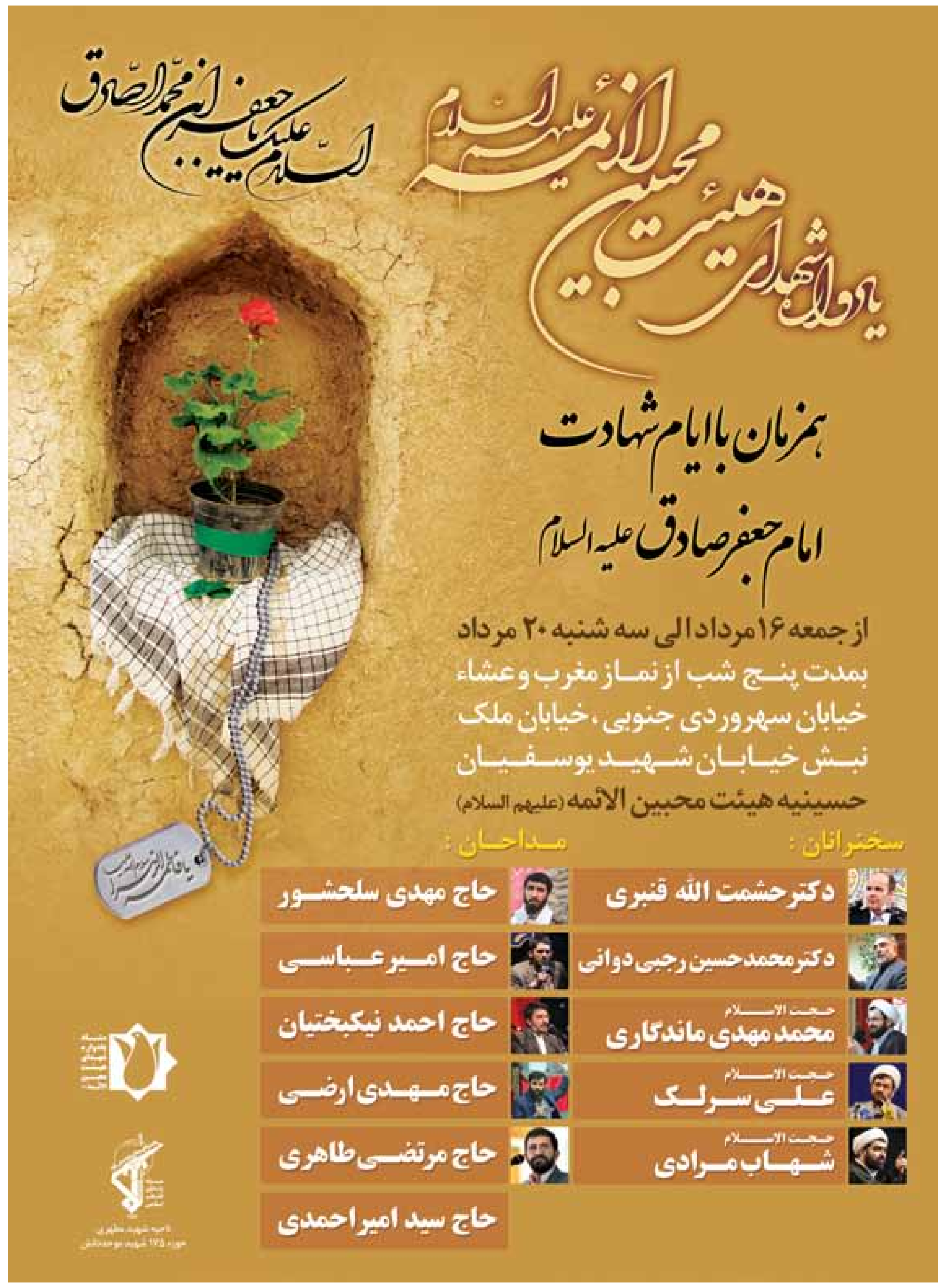

السلام علیک یا جعفر ابن محمد الصادق
یادواره شهدای هیئت محبین الائمه علیهم السلام
همزمان با ایام شهادت
امام جعفر صادق علیه السلام
از جمعه ۱۶ مرداد الی سه شنبه ۲۰ مرداد
بمدت پنج شب از نماز مغرب و عشاء
خیابان سهروردی جنوبی، خیابان ملک
نبش خیابان شهید یوسفیان
حسینیه هیئت محبین الائمه (علیهم السلام)
سخنرانان:
دکتر حشمت الله قنبری
دکتر محمدحسین رجبی دوانی
حجت الاسلام محمد مهدی ماندگاری
حجت الاسلام علی سرلک
حجت الاسلام شهاب مرادی
مداحان:
حاج مهدی سلحشور
حاج امیر عباسی
حاج احمد نیکبختیان
حاج مهدی ارضی
حاج مرتضی طاهری
حاج سید امیر احمدی

اجتماع بزرگ مدافعان حرم
کلنا عباسک یا زینب
مدافعان حرم
دومین سالگرد شهادت
پاسدار مهندس، شهید
رضا کارگربرزی مدافع حرم حضرت زینب (س)
سخنران: حجت الاسلام دکتر کاظمی (از قم)
با نوای: کربلایی محمد عطالهی
با حضور شاعر ارزشمند: صابر خراسانی
پنجشنبه ۹۴/۵/۱۵ از ساعت ۱۸ الی ۲۰ عصر
استان البرز - شهرستان نظرآباد، مسجد غدیریه
ستاد بزرگداشت شهید مدافع حرم، رضا کارگربرزی

کیلومترها فراتر از پروتکل‌ها

یادداشت امروز **ادامه از صفحه اول**

تعهدی که در متن برجام و قطعنامه شورای امنیت آمده دقیقا این است:

۱- ایران می‌پذیرد این سند مبنای استقرار یک نظام کنترل صادرات و واردات در ایران باشد به این معنا که اگر ایران قصد خرید هر یک از کالاها، تجهیزات و فناوری‌های مندرج در این سند (و اصلاحیه‌های آن) را داشته باشد باید بابت آن از کارگروه خرید (یکی از دو کارگروه کمیسیون مشترک) مجوز بگیرد.

۲- باید نام، مشخصات، آدرس، ایمیل و... نهاد و فرد واردکننده را رسما به کارگروه خرید و آژانس اعلام کند

۳- باید امکان راستی‌آزمایی این موضوع را فراهم آورد که این کالاها، تجهیزات و فناوری‌ها منحصرا در همان جایگاهی که کارگروه خرید برای آن مجوز داده در حال استفاده است.

۴- باید اجازه بازدید آژانس و حتی کشور صادرکننده از مکانی را که این کالاها، تجهیزات و فناوری‌ها در آن استفاده می‌شود و افرادی که درگیر کار با آنها هستند، فراهم کند.

بسیار خب! ببینیم در این صورت چه اتفاقی خواهد افتاد:

اول- قبل از هر چیز دسترسی‌های و بازرسی‌هایی که آژانس و ۱+۵ می‌تواند بر این اساس درخواست کند، به نحو حیرت‌انگیزی از پروتکل الحاقی یا هر سند دیگری در حوزه هسته‌ای فراتر می‌رود. آژانس می‌تواند دسترسی به مکان‌های نظامی، شرکت‌های دانش‌بنیان، شرکت‌های خصوصی، کارخانه و کارگاه‌های صنعتی، دانشگاه‌ها، پادگان‌های نظامی و... را صرفا به این بهانه که در آنها یک کالا یا قطعه یا ماشین یا تجهیزات یا فناوری مرتبط با فهرست NSG وجود دارد درخواست کند.

دوم- آژانس می‌تواند در همه این مکان‌ها امکانات نظارتی و کنترلی را مستقر کند که هدف ادعایی آن این باشد که می‌خواهد مطمئن شود از آنها در جهت ساخت سلاح هسته‌ای استفاده نمی‌شود ولی در واقع، به دنبال جمع‌آوری اطلاعات و کنترل هر نوع اقدامی باشد که در مکان‌های کاملا غیرمرتبط با موضوع هسته‌ای در حال انجام است. فقط به عنوان نمونه – که البته مسبوق به سابقه هم هست – کشورهای غربی می‌توانند مثلا درخواست نصب دوربین بالای سر ماشین تراشی را بکنند که در یک پادگان نظامی مشغول ساخت هزاران قطعه است؛ با این بهانه که یکی یا چند عدد از آنها – یا حتی خود ماشین تراش- در فهرست NSG قرار دارد!

سوم- دشمنان ما قادر خواهند بود با تکیه بر این رژیم دسترسی و بازرسی، اطلاعات بسیار وسیع و خطرناکی از همه حوزه‌های فناوری‌های حساس در ایران جمع‌آوری کرده و نقشه جامعی از فعالیت‌های حساس نظامی و پیشرفته ایران و افراد، مکان‌ها و بروکراسی مرتبط با آنها به دست بیاورند. غیر قابل تصور است که این حجم از اطلاعات می‌تواند منجر به طراحی چه نوع عملیات‌های اطلاعاتی یا ایجاد محدودیت‌های تجاری علیه ایران شود.

این فقط گوشه‌ای از اتفاقی است که در متن برجام رخ داده است. همانطور که تصمیم‌گیری درباره این متون نباید صرفا با منطق هسته‌ای انجام شود، در تحلیل محتوای آنها هم باید رویکردی کاملا فرامتنی و در نتیجه فراهسته‌ای،اتخاذ کرد. متن قطعنامه شورای امنیت امکاناتی فراهم می‌کند که مشخصا پیشرفت ایران را هدف گرفته نه صلح‌آمیز ماندن ماهیت برنامه هسته‌ای آن را. در بدترین حالت، آنچه ایران حاضر به پذیرش آن است محدودیت‌هایی در برنامه هسته‌ای است تا منجر به برداشته شدن تحریم‌های غیرقانونی اعمال شده علیه آن شود اما مراجعه به متن به ما می‌گوید، اتفاقاتی بسیار فراتر از این رخ داده است.

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

پیامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۲۳۱

www.Hemmat110.com
خیریه همت
اولین خیریه سایبری
مساله محور در ایران
#۰۷۲۰۰۶۰۵
۳۰۰۰۱۰۱۰۴۰

گل‌های قطعنامه ۲۲۳۱ به امنیت ملی

نگاه دیگران **ادامه از صفحه اول**

... با تصویب آن، سعی کردند مفاد برجام و قطعنامه را در التزام همزمان قرار دهند، به‌عبارت دیگر قطعنامه به برجام بار حقوقی بخشیده و آن را الزام‌آور می‌سازد. در حقیقت در پلان B برجام بخشی از یک پیوست برای قطعنامه ۲۲۳۱ می‌شود.

بدین ترتیب و برخلاف اظهارنظر رسمی مبنی بر الزام‌آور نبودن قطعنامه ۲۲۳۱، در ماده ۱۴ مقدماتی آن تصریح می‌شود: «کشورهای عضو موظف هستند براساس ماده ۲۵ منشور ملل متحد، تصمیمات شورای امنیت را پذیرفته و اجرا کنند».

همچنین بند ۱ قطعنامه، اجرای طرح جامع اقدام مشترک را تایید می‌کند. این بند عملاً برجام را بدل به بخشی از تعهدات بین‌المللی ایران می‌سازد. از این‌رو عدم مخالفت صریح و رسمی با قطعنامه ۲۲۳۱ به‌معنای پذیرش برجام و وادارسازی ایران به بازی در پلان B خواهد بود.

■ باز شدن دست آژانس در موضوع نظارت‌ها و بازرسی‌ها (گل دوم)

قطعنامه ۲۲۳۱ سازوکار دور زدن خطوط قرمز جمهوری اسلامی ایران است. در بند ۲ اجرایی تصریح می‌شود، ایران باید همکاری کاملی با آژانس داشته باشد.

این بند از یکسو ایران را ملزم می‌کند در برابر درخواست‌های آژانس پاسخگو بوده و از سوی دیگر دست آژانس را برای هر نوع درخواستی از ایران باز می‌گذارد.

این بخش از قطعنامه ۲۲۳۱ همچنین ابهام در نقش داوری آژانس پیرامون اجرای تعهدات ایران در برجام را برطرف ساخته و به‌صورت حقوقی به آن معنا و عمق بخشیده است. بدیهی است در این چارچوب، ایران باید درخواست‌های خلاف منافع ملی را اجابت کند.

■ محدودسازی توانمندی موشکی ایران (گل سوم)

در بند ۳ از ضمیمه B قطعنامه ۲۲۳۱ آمده است: از ایران خواسته می‌شود تا هیچ فعالیتی مرتبط با موشک‌های بالستیک طراحی‌شده با قابلیت حمل تسلیحات هسته‌ای صورت ندهد، از جمله شلیک هرگونه موشک با استفاده از چنین فناوری‌های مربوط به موشک بالستیک، تا زمان ۸ سال پس از روز پذیرش برجام یا تا زمانی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش ارائه دهد که جمع‌بندی مبسوط را تایید کند، بسته به اینکه کدام زودتر اتفاق افتد.

همچنین بند ۴ مقدمه B می‌گوید صادرات و واردات مرتبط با موشک‌های غیر بالستیک طراحی‌شده با قابلیت حمل تسلیحات هسته‌ای، طبق فرصت معین‌شده از سوی پیمان کنترل فناوری موشک مجاز است.

در این بخش عملاً یک تحریم کامل علیه موشک‌های بالستیک به ایران تحمیل می‌شود، ضمن آنکه به‌حسب ظاهر تحریم‌ها درباره موشک‌های غیر بالستیک حذف‌شده، اما از آنجاکه تفکیک موشک‌های بالستیک و غیر با موضوع توانایی حمل کلاهک هسته‌ای آسان نیست، در عمل این تحریم‌ها برنامه‌ای کامل علیه توانمندی موشکی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

در رمزگشایی از این بخش قطعنامه ۲۲۳۱ باید اشاره کرد که عدم تکامل سامانه‌های دفاع موشکی آمریکا (سامانه‌ها THAA و Aegis) و بویژه رژیم صهیونیستی (سامانه Arrow) در مقابله با توانمندی موشکی ایران و زمانبر بودن تکامل سامانه‌های دفاع موشکی آنان یکی از دلایل گنجاندن این بخش در قطعنامه ۲۲۳۱ بوده است.

■ مکانیسم بازگشت‌پذیری تحریم‌ها (گل چهارم)

گل چهارمی که قطعنامه ۲۲۳۱ به ایران می‌زند موضوع بازگشت‌پذیری تحریم‌هاست. در بند ۱۱ اجرایی آمده است درصورتی‌که هر یک از طرف‌های برجام، گزارشی مبنی بر عدم پایبندی ارائه کند، شورای امنیت پیش‌نویس یک قطعنامه جدید برای تصمیم درباره بازگشت یا عدم بازگشت تحریم‌ها را ظرف ۳۰ روز به رأی می‌گذارد. همچنین در بند ۱۲ اجرایی می‌گوید اگر در مهلت ۳۰ روزه مقرر، درباره قطعنامه‌ای رأی‌گیری نشود، تحریم‌ها به‌طور خودکار بازخواهد گشت مگر اینکه کشور مدعی قبل از ۳۰ روز اعلام کند مساله حل شده است.

این بخش از قطعنامه ۲۲۳۱ راه تحمیل و باجخواهی از ایران را همواره در موضوع تحریم‌ها باز نگه می‌دارد. بازگشت‌پذیری تحریم‌ها هیچ افق روشن و اطمینان‌بخشی پیرامون لغو تحریم را نمایان نمی‌سازد.

■ محدودیت برای انتقال تسلیحات متعارف (گل پنجم)

بند «B6» از ضمیمه B صادرات تسلیحات متعارف از ایران را به مدت ۵ سال از زمان پذیرش برجام ممنوع می‌کند. این بند تحریم کامل تسلیحات متعارف علیه ایران برای واردات و صادرات است مگر اینکه مورد به مورد از شورای امنیت مجوز گرفته شود. بدین ترتیب در شرایط جنگ نیابتی علیه محور مقاومت و جمهوری اسلامی دست ایران برای حمایت از متحدان خود در عمق استراتژیک و مبارزه با تکفیری‌های دست‌آموز کاملاً بسته می‌شود.

این بند از قطعنامه ۲۲۳۱ علاوه بر اینکه رضایت آل‌سعود برای همراهی با توافق را ایجاد می‌سازد می‌تواند زمینه‌ساز موارد زیر باشد:

- محدودسازی عمق راهبردی و اقتدار منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران
- بی‌ثبات‌سازی محیط پیرامونی ایران و انتقال ناامنی به جدار مرزهای ایران
- گسترده ساختن دامنه جنگ نیابتی در منطقه

■ دیگر مخاطرات قطعنامه ۲۲۳۱

پذیرش قطعنامه ۲۲۳۱ به معنای مشروعیت بخشیدن به قرار گرفتن ایران در ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد است که خود می‌تواند زمینه‌ساز اقدامات خصمانه علیه ایران شود.

در مجموع قطعنامه ۲۲۳۱ سعی دارد معادله‌ای جدید فی‌مابین تحریم‌ها و امنیت ملی و اقتدار منطقه‌ای ایران در ادراک و برداشت جامع شکل دهد در این چارچوب از طریق مکانیسم ماشه و برگشت‌پذیری تحریم‌ها سعی دارند ۲ معادله زیر را به وجود آورند:

۱- معادله تعلیق و تعدیل تحریم‌ها منوط به پذیرش محدودیت‌های دفاعی (موشکی)

۲- معادله تعلیق و تعدیل تحریم‌ها منوط به پذیرش ممنوعیت انتقال سلاح

علاوه بر مخاطرات مذکور برای ایران و متحدان منطقه‌ای، قطعنامه ۲۲۳۱ این فرصت را برای طرف‌های غربی و بویژه طرف آمریکایی ایجاد می‌کند حتی در صورت مواجهه با مخالفت کنگره، خاکریزهای خود را جلوتر از ماقبل مذاکرات در ژنو کشانده و خطوط ترسیم‌شده در قطعنامه جدید را ملاک و مبنای عمل قرار دهند.

■ نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد قطعنامه ۲۲۳۱ تهدید، تحقیر و تحمیل را به جمهوری اسلامی ایران فرموله ساخته و برآیند آن می‌تواند منجر به وادارسازی ایران به بازی در پلان B و پذیرش توافق بد شود. این وضعیت با احتساب گل‌های خورده در متن برجام باخت تاریخی و تحقیرآمیزی را متوجه ایران می‌سازد که می‌تواند امنیت هستی‌شناختی (هویت واقعی انقلاب)، امنیت ملی، اقتدار منطقه‌ای و منافع ملی را با مخاطرات بسیار جدی مواجه کند.

منبع: خبرگزاری فارس